

کارنامه تحلیلی خیام پژوهی در ایران

نیلوفر توکلی*

توجه به تألیف و تدوین منابع و مأخذ پژوهشی در حوزه زبان و ادبیات فارسی، از مهم‌ترین اموری است که باید بدان پرداخت. بی‌تردید تحقیقات ادبی امروز، بدون تکیه بر تحقیقات پیشینیان کامل نخواهد شد. نتایج راهی که ادیبان و پژوهشگران پیشین طی کرده‌اند و قطعاً راه مشکل و دشواری بوده است، گنجینه‌ها و دفینه‌هایی است که اهل ادب امروز باید با هوشیاری و تدبیر، به کشف و استخراج آنها بپردازند و راه را برای آیندگان آماده سازند. از میان این دسته تحقیقات که کمک شایان توجهی به مآخذشناسی و روش تحقیق می‌کند، مجموعه‌های «کتاب‌شناسی» است؛ بویژه تدوین کتاب‌شناسی‌های موضوعی، که جایگاهی ویژه دارند.

در روزگار ما خوشبختانه توجه به این نوع پژوهش فزونی گرفته و کارهای خوب و متوسطی در حوزه‌ها و موضوعات مختلف به چاپ رسیده است. امروزه کتاب‌شناسی‌هایی که در زمینه شخصیت‌های بزرگ ادبی، مانند رودکی، سعدی، مولانا، حافظ،... و شخصیت‌های بزرگ علمی، مانند فارابی، بوعلی سینا، خوارزمی و... نوشته شده، راه‌گشای پژوهشگران است.

انتشار کتاب کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی، که به همت آقایان کاووس حسن‌لی و سعید حسام‌پور در سال ۱۳۸۹ از سوی نشر علم صورت گرفته است، از همین نوع آثار است که به منابع و مأخذ تهیه‌شده درباره خیام، به گونه‌ای تحلیلی می‌پردازد.

حکیم عمر خیام نیشابوری (۵۳۰، ۵۱۵ - ۴۳۹ هـ. ق) بدون تردید از برجسته‌ترین شخصیت‌های اثرگذار و جریان‌ساز تاریخ فرهنگ ماست، که علاوه بر جایگاه ادبی، در میان فلاسفه، ریاضی‌دانان و منجمان نیز از رتبه و درجه‌ای ویژه برخوردار است؛ به گونه‌ای که تقریباً در تمام متون کهن، نام او را با عناوین «حکیم»، «امام»، «حجت‌الحق»، «خواجه»، «شیخ» و «فیلسوف» یاد کرده‌اند و آثار فراوانی را در ریاضی، فلسفه، نجوم، فقه، طب و ادبیات به او نسبت داده‌اند. از آثار مسلم اوست: ۱. رساله مشکلات حساب، ۲. رساله در وجود ۳. رساله کون و تکلیف، ۴. رساله در هندسه، ۵. رساله در جبر و مقابله، ۶. رساله

* کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی.
* کاووس حسن‌لی، سعید حسام‌پور.
* چاپ اول، تهران: علم، ۱۳۸۹.

در طبیعات، ۷. رساله حل مسئله جبری یا مقطوع مخروطی، ۸. رساله در کلیات وجود (این اثر به فارسی نگارش یافته و روضه القلوب نامیده شده است)، ۹. رساله در صحت طرق هندسی در استخراج ریشه‌های جذب و کعبه، ۱۰. رساله لوازم الأمکنه درباره فصول و علت اختلاف هوا در اقالیم، ۱۱. رساله در جواب سه مسئله و ضرورت تضاد در عالم، جبر و بقا، ۱۲. رساله فی الإحتیال لمعرفه مقدار الذهب و الفضة فی جسم مرکب منها (این اثر را «میزان الحکمة» نیز گفته‌اند)، ۱۳. شرح المشکل من کتاب الموسیقی، ۱۴. ترجمه خطبه تمجیدیه شیخ‌الرئیس ابوعلی سینا، ۱۵. زیج ملکشاهی، ۱۶. نوروژنامه (این اثر با انشائی ساده و روان، در بیان اسباب پیدایش جشن نوروز و آداب شاهان نگارش یافته است)، ۱۷. رباعیات (برزی، ۱۳۷۶: ۳).

ذکر نام خیام در آثار مشهور همعصر و بعد از او، حکایت از جایگاه تاریخی این دانشمند و شاعر بزرگ دارد. خاقانی، قصیده‌سرای بلندآوازه قرن ششم، در منشآت و نظامی عروضی در کتاب مشهور خود، چهارمقاله، از او با «عمر خیامی» و «حجت‌الحق» یاد کرده‌اند (رک: روشن: ۳۳۳؛ معین: ۱۰۰-۱۰۱). معاصران او وی را در حکم، تالی بوعلی می‌شمردند و در احکام نجوم، قول او را مسلم می‌دانستند و در کارهای بزرگ علمی، از قبیل ترتیب رصد و اصلاح تقویم و نظایر اینها، به او رجوع می‌کردند. برای خیام سفرهایی به سمرقند و بلخ و هرات و اصفهان و حجاز ذکر کرده و گفته‌اند که با همه فرزاندگی، مردی تندخوی بود و به سبب تفوه به حقایق و اظهار حیرت و سرگشتگی در حقیقت امور وجود و تردید در روزشمار و ترغیب به استفاده از لذات موجود و حال و امثال این مسائل، که همه خارج از حدود ذوق و درک مردم ظاهرین است، مورد کینه علمای دینی بوده (صفا، ۱۳۶۹: ۵۲۶-۵۲۷). از همین رو، از روزگار خیام، به دلایلی که بیشتر ریشه در حسادت و بخل دارد، با او مخالفت شده است؛ اگرچه افکار بلند و تفکرات فلسفی خیام که با مذاق عوام سازگار نمی‌آمد، در این مخالفت‌ها بی‌تأثیر نبوده است.

با این حال، بیشترین شهرت خیام در ایران و جهان، به سبب رباعیات اوست. سخنان موجز، عمیق و زبان ساده او در رباعیات، سبب جذب خوانندگان فراوان شده است. ترجمه اشعار او به انگلیسی توسط ادوارد فیتز جرال (Edvard Fitzgerald) شهرت خیام را جهانی کرده است؛ شهرتی که تقریباً برای هیچ شاعر فارسی‌زبان دیگری با این گستردگی فراهم نشده است. رباعیات او که به زبان‌های دیگر، از جمله فرانسوی، آلمانی، ایتالیایی، دانمارکی، سوئدی، اردو، عربی، ترکی، کردی، روسی و اسپانیایی، ترجمه شده است، حکایت از جایگاه جهانی او دارد. تحقیقات محققان خارجی، مثل آبربی، کریستن‌سن، روزن، ژوکوفسکی، و پژوهش پژوهشگران ایرانی، مانند محمدعلی فروغی، جلال‌الدین همایی، سعید نفیسی، صادق هدایت، محمد محیط طباطبایی، که هر کدام از وجهی به رباعیات خیام نگریسته‌اند، نشانه اهمیت و جایگاه او در تحقیقات ادبی است.

مجموعه تألیفات و تحقیقات در شاخه‌های مختلف ادبی و علمی به صورت مقاله و کتاب، به قدری گسترده است که پدیدآورندگان کتاب کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی را به صرافت تألیف این کتاب ارزشمند نداخته است. این کتاب - البته با تجربه موفق دکتر حسن‌لی که

پیش از این فرهنگ سعدی‌پژوهی را در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسانده - مجموعه‌ای پژوهشی، روشمند و نسبتاً کامل است.

نویسندگان در مقدمه کتاب (حسن‌لی و همکار، ۱۳۸۹: ۷-۳۲) به تاریخچه خیام‌پژوهی در حوزه مقاله‌نویسی و کتاب‌نویسی اشاره کرده و پس از آنکه خیام‌پژوهی را به دو دوره پیش از ۱۳۰۰ و پس از آن تقسیم کرده‌اند، به گزارشی از وضعیت خیام‌پژوهی بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰ پرداخته‌اند و با ارائه جداول و نمودارها، نتایج فهمیدنی و پذیرفتنی‌ای را از خیام‌پژوهی در این دوره ارائه کرده‌اند. بر اساس تحقیق ایشان، در دهه پنجم (۱۳۴۱-۱۳۵۰) و ششم (۱۳۵۱-۱۳۶۰) رشد نسبتاً خوبی در تعداد و تنوع مقالات منتشرشده به وجود آمده است. پدیدآورندگان کتاب دلایل این رشد را چنین برمی‌شمارند:

۱. آماده شدن بیشتر فضای خیام‌پژوهی، با مقالات و کتاب‌هایی که در دهه‌های گذشته به چاپ رسیده، و آشنایی بیشتر خیام‌دوستان با پژوهش‌هایی که در داخل و خارج ایران در این باره انجام گرفته بود؛
۲. چاپ کتاب‌های ارزشمند در این دوره، کتاب‌هایی مانند نادره ایام، حکیم عمر خیام، نوشته اسماعیل یکانی (۱۳۴۲)، دمی با خیام، نوشته علی دشتی (۱۳۴۴)، خیامی‌نامه، نوشته جلال‌الدین همایی (۱۳۴۶)، منظومه خیام‌وار، فیتز جرال، نوشته مسعود فرزاد (۱۳۴۸)، و خیام‌شناسی، نوشته محمدمهدی فولادوند (۱۳۴۸). چنین می‌نماید که تنوع مطالب مطرح‌شده در این کتاب‌ها، بویژه کتاب‌های نادره ایام، عمر خیام و دمی با خیام، در برانگیختن پژوهشگران و خیام‌دوستان برای نوشتن مقاله با موضوع‌های متنوع بی‌تأثیر نبوده باشد (همان: ص ۱۳، س ۴).

بنا بر همین تحقیق، فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۰ سال‌های رشد چشمگیر تحقیقات درباره خیام و ارائه آن در قالب کتاب است؛ البته بنا به گفته مؤلفان، در دهه هفتم (۱۳۶۱-۱۳۷۰)، جز کتاب تحلیل شخصیت خیام، نوشته محمدتقی جعفری، کتاب مهم دیگری نوشته نشده است. این اثر به دلیل دیدگاه ویژه نگارنده نسبت به خیام و همچنین نام بلند نویسنده، نگاه برخی را به سوی خود کشید؛ اما به طور کلی، توجه چندانی را برنمی‌انگیزد. شاید یکی از دلایل کم‌قبالی به این کتاب، نبود انسجام و استحکام کافی در مطالب کتاب و استدلالات آن باشد.

در این دهه، همچنین حسن شایگان و فردین شیروانی که پیش‌تر چندین مقاله درباره خیام در نشریات به چاپ رسانده بودند، مجموعه مقاله‌ها را در کتابی زیر عنوان نگاهی به خیام همراه با رباعیات و محمد محیط طباطبایی مجموعه مقاله‌های خود را در کتابی با نام خیامی یا خیام در سال ۱۳۷۰ چاپ و منتشر کرده‌اند.

در دهه هشتم (۱۳۷۱-۱۳۸۰) آثاری مانند خیام و ترانه‌ها، نوشته مسعود فرزاد (۱۳۷۵)، از پندار تا یقین، نوشته حسن دانشفر همدانی (۱۳۷۶)، عمر خیام نیشابوری، حکیم و شاعر، نوشته علیرضا ذکواتی قراگوزلو (۱۳۷۷)، عمر خیام، قافله‌سالار دانش، نوشته رحیم رضازاده ملک (۱۳۷۷)، خیام‌نامه، نوشته اصغر برزی (۱۳۷۷) و آزاداندیشی خیام و حافظ، نوشته فرج‌الله شریفی گلپایگانی (۱۳۷۸) چاپ و منتشر شده است (همان، ص ۲۷).

بحث کتاب‌شناسی خیام بحث نو و تازه‌ای نیست؛ پیش از این کار،

کسان دیگری به این امر اقدام نموده‌اند؛ از جمله، کتاب‌شناسی عمر خیّام، تألیف خانم‌ها فاطمه و زهرا انگورانی است که مؤلفان محترم هم از آن بهره جسته‌اند. غیر از آن، فهرست مقالات فارسی ایرج افشار، فهرست مقالات فارسی در مطبوعات جمهوری اسلامی و فهرست‌های دیگر، از جمله نرم‌افزار نمایه، که همه آنها در زمره منابع محققان محترم قرار گرفته است. طبیعی است که بعضی مقالات، مانند مقاله «خیّام‌پژوهی در سال ۱۳۷۷»، (از سیدعلی میرافضلی، چاپ در نشر دانش سال ۱۶، ۱۳۷۸) و جست‌وجوگرهای اینترنتی می‌توانند محققان را در آشنایی با منابع و مأخذپژوهی درباره خیّام کمک کنند.

با این حال، کتاب حاضر به لحاظ جامعیت، روشمند بودن و بررسی تحلیلی، نسبت به کارهای پیشین از کارآمدی بیشتر برخوردار است و طبیعی است که این نوع کارهای پژوهش، با دقتی که محققان اعمال می‌نمایند، خالی از اشکال نیست و لازم است هر چند سال یک بار این نوع کتاب‌ها که جنبه مرجع دارند، با اطلاعات به‌دست‌آمده بروز شوند تا کارایی آنها همچنان باقی بماند.

ساختار کتاب کارنامه تحلیلی، شامل مقدمه، بخش مقالات و کتاب‌ها و همچنین پیوست‌ها، که شامل فهرست مقاله‌ها، فهرست کتاب‌ها فهرست پدیدآورندگان، کتابنامه و نامنامه - که به اشتباه در فهرست مطالب کتابنامه ضبط شده - است. ترتیب و تنظیم کتاب به گونه‌ای است که کاربران به آسانی می‌توانند از آن بهره بگیرند؛ بویژه فهرست‌ها که می‌توانند یاری‌دهندگان خوبی برای استفاده از اثر باشند. مقدمه کتاب، که گزارشی از آن از پیش از چاپ این کتاب پدیدآورندگان محترم در مجله پژوهش زبان و ادبیات فارسی، شماره ۱۴، صفحات ۹۹-۱۲۶ به چاپ رسانده‌اند، مقدمه‌ای کوتاه و گویاست. همچنین تحلیل آماری و ارائه نمودارها، گزارش جامعی از تحقیقات خیّام‌پژوهی در روزگار ماست؛ اگرچه مقدمات لازم برای رسیدن به آمار

حکیم عمر خیّام نیشابوری بدون تردید از برجسته‌ترین شخصیت‌های اثرگذار و جریان‌ساز تاریخ فرهنگ ماست، که علاوه بر جایگاه ادبی، در میان فلاسفه، ریاضی‌دانان و منجمان نیز از رتبه و درجه‌ای ویژه برخوردار است؛ به گونه‌ای که تقریباً در تمام متون کهن، نام او را با عناوین «حکیم»، «امام»، «حجت الحق»، «خواجه»، «شیخ» و «فیلسوف» یاد کرده‌اند و آثار فراوانی را در ریاضی، فلسفه، نجوم، فقه، طب و ادبیات به او نسبت داده‌اند

بررسی‌شده مؤلفان محترم، مقدمه و همچنین شیوه آماری آنها معلوم نیست و بهتر بود درباره روش کار، شیوه آماری و چگونگی ارائه نمودارها، اطلاعاتی را در اختیار خوانندگان می‌گذاشتند.

در بخش اصلی کتاب، پژوهشگران ۳۳۴ مقاله و ۵۲ کتاب را بررسی کرده‌اند. تعداد آثار اگرچه درخور توجه است، اما پذیرش جامعیت آن مشکل است.

مؤلفان بنا به آنچه خود در مقدمه ذکر کرده‌اند و در کتاب مشهود است، فقط به ذکر نام و معرفی اثر نپرداخته‌اند و همان گونه که از عنوان کتاب انتظار می‌رود، دستی به تحلیل هم برده‌اند و چه بسا که مأخذ و منابع کتاب را هم دستکاری کرده و از بسیاری نکات علمی لازم در تحقیقات ادبی چشم پوشیده‌اند و البته این نوع نگاه‌ها، کار پژوهش را بیش از آنچه تصور می‌شود، دشوار می‌نماید. ایشان می‌نویسند: «روشن است که عنوان بسیاری از مقاله‌ها، گویای موضوع مقاله نیست؛ به سخن دیگر، عنوان بسیاری از مقاله‌ها یا با متن مقاله کاملاً بی‌ارتباط است و یا با آن پیوند چندانی ندارد. تنها زمانی می‌توان از مطالب مقاله آگاهی یافت که یا خود مقاله یا چکیده‌ای از آن دیده شود.

از همین رو، در این پژوهش برای همه مقاله‌ها و کتاب‌ها بخشی با عنوان «مضامین اصلی» در نظر گرفته شده است تا محوری‌ترین مطالب آن مقاله یا کتاب، بازنموده شود. خواننده با مراجعه به این بخش می‌تواند همه نوشته اصلی را در آینه‌ای کوچک‌تر ببیند و از برخی عنوان‌های گنگ، بی‌ربط و فریبده رها شود.

در این بخش برای آشنایی بیشتر با متن موردنظر، معمولاً عبارتهایی از آن نوشته نیز بازنویسی شده است. همچنین برای ایجاد یک‌دستی در سراسر این نوشته، با دخالت در شکل نوشتاری نقل‌قول‌ها، این موارد به گونه‌ای همسان بازنویسی شده است. (از همه نویسندگان محترمی که در نوشته آنها به دلایل یادشده دخالت کرده‌ایم، پوزش می‌خواهیم.) در برخی مقاله‌ها یا کتاب‌ها به منابع مورد استفاده اشاره‌ای نشده است و فهرست منابعی که در پایان برخی از مقاله‌ها یا کتاب‌ها نوشته شده است، با منابع واقعی استفاده‌شده در آن نوشته سازگاری ندارد؛ به همین دلیل برای همه مقاله‌ها و کتاب‌ها بخشی زیر عنوان «منابع اصلی» در نظر گرفته شده است تا منابع اصلی و واقعی مورد استفاده آن نوشته معرفی شود.

بسیاری از مقاله‌ها و کتاب‌ها دست‌کم نیاز به یک بررسی کوتاه و نقد مختصر دارند. موضوع برخی تازه است، روش برخی علمی و مستند است، تحلیل برخی ژرف‌نگرانه و استوار است و... در مقابل، برخی از این نوشته‌ها، تنها یک انشاءپردازی غیرمستند است، برخی گزاره‌گویی خلاف واقع است، برخی پر از اظهارنظرهای غیرعلمی و خلاف ذوق سلیم است و متن برخی هیچ پیوندی با عنوان آن ندارد» (همان: ۲۹ - ۳۰).

روش کار محققان آن است که پس از نام کتاب یا مقاله، به شیوه‌ای علمی به مضامین اصلی اثر و منابع آن می‌پردازند و در ادامه تحت عنوان اشاره، توضیحاتی را برای روشن شدن ذهن خوانندگان می‌آورند و مطالبی را درباره مقاله یا کتاب از دیگران نقل می‌کنند. مثلاً در معرفی کتاب ریاضیات خیّام، به تصحیح و تحشییه محمدعلی فروغی و قاسم غنی، که به اهتمام عبدالکریم جریزه‌دار، در سال ۱۳۷۱ از سوی

حکیم عمر خیّام
بدون تردید
از برجسته‌ترین
شخصیت‌های
اثرگذار و
جریان‌ساز

فصلنامه‌های سیال‌های رشد چشمگیر در باره حکیم و

فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۰ سال‌های
رشد چشمگیر تحقیقات درباره خیام و
ارائه آن در قالب کتاب است؛ البته بنا به
گفته مؤلفان، در دهه هفتم (۱۳۶۱-۱۳۷۰)،
جز کتاب تحلیل شخصیت خیام، نوشته
محمد تقی جعفری، کتاب مهم دیگری
نوشته نشده است. این اثر به دلیل دیدگاه
ویژه نگارنده نسبت به خیام و همچنین نام
بلند نویسنده، نگاه برخی را به سوی خود
کشید؛ اما به طور کلی، توجه چندانی را
برنینگیخت

ترجمه‌ای را نباید در کارنامه خیام‌پژوهی ایرانی قرار داد. بنا بر این نظر،
مثلاً ذکر این دسته از تحقیقات در این کتاب ضرورت ندارد:

الف. بعضی نمونه‌ها در بخش مقالات

۱. «تأثیر فلسفه خیام بر بوف کور هدایت»، لتونادر دبوگل، ترجمه
فرزین یزدان‌فر.
۲. «تنگ می و نصف نان، سه ترجمه از رباعیات خیام»، اسکات
جرمین، ترجمه حسن لاهوتی.
۳. «حکیم عمر خیام نیشابوری»، عبدالرزاق کانبوری، ترجمه
سیدمصطفی طباطبایی.
۴. «خیام، شاعر مرموز»، ژیلبر لازار، ترجمه سیروس ذکاء.
۵. «خیام»، هرمان اته، ترجمه صادق رضازاده شفق.
۶. «رباعی در ادب نخستین فارسی بخش ۲ «الف» از کتاب تاریخ
ایران از اسلام تا سلاجقه». ز. ن. فرای، با ترجمه آقای حسن انوشه. از
سوی انتشارات امیرکبیر، سال ۱۳۸۲.
۷. «روش خیام برای حل معادله درجه سوم»، بتاتریس لومپکن،
ترجمه محمودرضا فاطمی.

۸. «زندگی و کار حکیم عمر خیام نیشابوری» (بیرون کشیده‌ای از
کار پژوهشگر هندی، سوامی گیراندا تیرته).
۸. «سه یار دبستانی در سمرقند»، گفت‌وگویی با امین معلوف،
نویسنده و روزنامه‌نگار لبنانی.
۹. «شاعری ریاضی‌دان از خراسان»، هوارد ایوز، ترجمه عبدالحسین
مصطفی.

ب. بعضی نمونه‌ها در بخش کتاب‌ها

در میان کتاب‌ها هم گه‌گاهی از این نوع پژوهش‌ها به چشم
می‌خورد؛ برای نمونه:

۱. بررسی انتقادی رباعیات خیام. آرتور کریستین سن، ترجمه دکتر
فریدون بدره‌ای، ۱۳۷۴.

انتشارات اساطیر به چاپ رسیده است، ضمن بیان بخش‌های کتاب و
اهم موضوعات در ذیل مضامین اصلی، به نقل نظر علیرضا ذکاوتی
فراگوزلو و علی دشتی می‌پردازد و نظر ایشان را درباره کتاب بیان
می‌کند (همان: ۳۶۲-۳۶۹).

طبیعی است که این گونه توضیحات می‌تواند علاوه بر افزایش
اطلاعات خواننده درباره اثر، اعتماد و اطمینان بیشتری را در خوانندگان
ایجاد کند. همچنین در معرفی همین اثر، به ۶۳ اثری که تحت تأثیر این
کتاب قرار گرفته‌اند، اشاره می‌کند و با ذکر مشخصات کتاب‌شناختی،
آنها را معرفی می‌نماید.

با مروری بر این کتاب ارزشمند، نگارنده به بعضی از اشکالات
برخورد کرده است که گرچه در مقابل زحمت محققان ناچیزند، اما
برای تکمیل و اصلاح کتاب در چاپ‌های بعد، در دو بخش اشکالات
فنی و چاپی و بعضی ملاحظات محتوایی به آنها می‌پردازد.

بعضی اشکالات فنی و چاپی

کتاب کارنامه تحلیلی، که با چاپ و جلد و صحافی مناسب به چاپ
رسیده است، البته خالی از نقایص فنی و چاپی نیست؛ برای نمونه:
- صفحه‌بندی کتاب در بخش فهرست‌ها نامناسب و به هم ریخته
است.

- فونت حروف در بخش فهرست‌ها یکدست نیست.

- شروع صفحات فهرست‌ها، در صفحات ۴۸۱، ۴۸۲، ۴۸۷ فنی
نیست و لازم است ناشر محترم نکات فنی را در چاپ‌های بعدی
رعایت کند.

- نام دانشجویمان همکار که در بالای صفحه ۴۷۶ آمده است، باید
به پاورقی در همان صفحه منتقل شود.

- در تنظیم الفبایی فهرست‌ها دقت بیشتری مبذول دارند؛ مثلاً
در فهرست مقالات، دو مقاله حکیم خیام نیشابوری و حکیم عمر بن
ابراهیم خیام نیشابوری بعد از حرف «خ» ضبط شده‌اند. همچنین است
ترتیب حرف «خ» که پس از حرف «ز» آمده و حرف «ر» که پس از
حرف «ش» آمده است.

- در ذکر شماره صفحات در برابر نام پدیدآورندگان، کتاب‌ها و
مقالات دقت شود تا شماره‌ها به ترتیب باشد. برای نمونه، در برابر نام
فرزاد، مسعود (در فهرست پدیدآورندگان) شماره‌ها این‌گونه آمده است:
۱۲۷ و ۴۳۵، ۲۱۴.

بعضی ملاحظات محتوایی

علاوه بر نواقص فنی و چاپی که به بعضی از آنها اشاره کردیم،
نکات دیگری نیز وجود دارد. از آن جمله، تناقضی است که بین عنوان
کتاب و محتوای آن به چشم می‌خورد. عنوان کتاب در برگه عنوان و
در شناسنامه، کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی در ایران است، که اولاً این
عنوان با آنچه بر جلد کتاب آمده، متفاوت است؛ ثانیاً قید «در ایران»
خواننده را بدان سمت هدایت می‌کند که منتظر معرفی آثار و تحقیقات
محققان غیرایرانی نباشد؛ اما به رغم آنچه محققان در مقدمه اشاره
کرده‌اند که: «بین سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۸۰ آنچه در پیوند با خیام
در ایران پدید آمده یا از زبان‌های دیگر به فارسی برگردانده شده،
شناسایی، معرفی و بررسی شده است» (همان: ۸) به نظر می‌رسد با
توجه به عنوان کتاب و انتظار خوانندگان، معرفی و بررسی تحقیقات

۲. خروش خم‌ها: نقدی بر رباعیات خیام. پاراما ماها نسیا یوگاناندا، ویرایش رونالد والترز، ترجمه جواد رویانی، ۱۳۷۹.

۳. سمرقند. امین معلوف، ترجمه کاظم شیوا رضوی، ۱۳۷۴.

۴. ترجمه روسی رباعیات خیام. با پیش‌گفتار و حواشی رستم علی‌اف، محمدنوری عثمان‌اف، به رهبری یوگنی برتلس، که ظاهراً به خاطر تحقیقات و حواشی آن در این فهرست آمده، مربوط به تحقیقات ایرانی نیست.

۵. عمر خیام. از هارولد، ترجمه محمدعلی اسلامی ندوشن. مضافاً اینکه این دسته از تحقیقات هم به صورت کامل و در این کتاب جمع‌آوری نشده است؛ برای نمونه:

۱. متن سخنرانی دکتر احسان نراقی در کنفرانس بین‌المللی خیام، که با ترجمه ویدا طیرانی در مجله بخارا، مردادماه ۱۳۷۸، شماره ۷ به چاپ رسیده، از دید پژوهشگران محترم دور مانده است و اگر به واقع قرار به معرفی تحقیقات غیر ایرانیان باشد، حجم کتاب افزایش چشمگیری خواهد یافت و امیدواریم پژوهشگران متخصص، به این کار نیز اهتمام بورزند و به‌زودی شاهد کارنامه جامع و تحلیلی خیام‌پژوهی در ایران و جهان باشیم.

۲. نکته‌ای که لازم است در ویرایش بعدی مورد توجه پدیدآورندگان قرار گیرد، ترتیب زمانی نقل‌قول‌هاست که در بعضی موارد تقدم و تأخر زمانی آنها رعایت نشده است. برای نمونه، در ذیل رباعیات خیام به تصحیح محمدعلی فروغی و قاسم غنی، در بخش اشاره، نخست نظر علیرضا ذکاوتی فراگوزلو و پس از آن، نظر علی دشتی آمده است که توجیه علمی و منطقی ندارد.

۳. آشننگی‌هایی در تنظیم مطالب کتاب و بعضی از فهرست‌ها وجود دارد؛ مثلاً:

۱-۳. ضبط بعضی از نام‌ها کامل نیست. برای نمونه، نام حسین خطیبی نوری صاحب «مقالات سه قسمتی خیام و ابوالعلاء معری»، که حسین خطیبی ضبط شده است.

۲-۳. نام بعضی از آثار که در متن کتاب بررسی شده‌اند و در فهرست مربوط نیامده است. برای نمونه، نام مقاله «پرتو خیره‌کننده‌ای از نبوغ خیام»، ترجمه ضیاء دفتری، در فهرست مقالات ضبط نشده است. (شایان ذکر است که قسمت‌های ۳-۴ و ۵ این مقاله که در مجله ارمنان به چاپ رسیده، مورد بررسی پژوهشگران محترم قرار نگرفته است.)

۳-۳. با همه تلاشی که پدیدآورندگان کرده‌اند، متأسفانه بعضی از آثار چاپ‌شده پیش از سال ۱۳۸۰ در مجموعه مذکور مشاهده نمی‌شود. نام بعضی از مقالات از قلم افتاده است. برای نمونه ذکر می‌شود:

* «از نثر فارسی خیام». بی‌نام. شرق، اسفند ۱۳۰۹، شماره ۳، صص: ۱۶۷ - ۱۶۸.

* «تحقیقات و انتقادات ادبی: حکیم عمر خیام نیشابوری». یانس میرزا، آینده، سال ۲، شماره ۴، صص: ۲۹۷ - ۳۰۹.

* «خطبه ابن سینا و ترجمه آن از عمر خیام». سعید نفیسی، شرق، شماره ۸، صص: ۴۴۹ - ۴۶۲.

* «خیام و جامی در شبه‌قاره هند». سیدکمال حاج سیدجوادی، نامه پارسی، شماره ۱، صص: ۸۴ - ۸۹.

* «خیام و مترلینگ (آیا افکار خیام بر مترلینگ اثر گذاشته است؟ شواهدی در باب نزدیکی او)». ابراهیم صفایی، هنر و مردم، اردیبهشت

۱۳۵۳، شماره ۱۳۹.

* «دو تقدیر از خواجه امام عمر خیام». سعید نفیسی، شرق، آذر ۱۳۱۰، شماره ۱۱، صص: ۶۴۱ - ۶۶۰.

* «رباعیات حکیم عمر خیام در سه زبان (نامه‌ای به دوستی)». نصره‌الله فتحی و حسن علی اسفندیاری، وحید. آبان ۱۳۵۱، شماره ۱۰۷، صص: ۹۲۵ - ۹۳۰.

* «سخنرانی دکتر احسان نراقی در کنفرانس بین‌المللی خیام»، مترجم ویدا طیرانی، بخارا، مرداد ۱۳۷۸، شماره ۷، صص ۱۷۳ تا ۷۷.

* «سیمای راستین خیام (خیام و برخی از فیلسوفان هند)». فرزین شیروانی و حسن شایگان، هنر و مردم، بهمن و اسفند ۱۳۵۱، شماره ۱۲۴ و ۱۲۵، صص: ۴۷ - ۵۰.

* «تحقیقات جدید در احوال عمر خیام». مرزبان رازی، شرق، مهر ۱۳۱۰، شماره ۱۰، صص ۶۰۶ - ۶۱۵.

* «مثلت حسابی خیام (یا پاسکال)، دستور دو جمله‌ای خیام (یا نیوتن)» ابوالقاسم صفاری، سخن، دوره نهم، دی ۱۳۳۸، صص: ۹۷، ۱۰ به بعد.

* «ملاحظاتاتی چند در باب بعضی از اشعار فارسی امام عمر خیام». سعید نفیسی، شرق، شهریور ۱۳۱۰، شماره ۹، صص ۵۱۳ - ۵۲۹.

* «یک روز در زندگانی خیام». مسعود فرزاد، وحید، آبان ۱۳۴۴، شماره ۲۳، صص ۹۱۶ - ۹۱۹.

آنچه گفته شد، نمونه‌هایی از نکاتی است که در مروری اجمالی بر کتاب کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی به نظر نگارنده رسیده است. بدیهی است که ذکر این نکات به هیچ روی از شأن و منزلت این اثر تحقیقی نمی‌کاهد. قطعاً این کتاب از زمره کتاب‌های کاربردی است که تأثیرات آن در تحقیقات خیام‌پژوهان آینده بر کسی پوشیده نخواهد ماند.

پی‌نوشت

* کارشناس ارشد زبان و ادبیات فارسی.

. درباره احوال و افکار خیام رجوع کنید به:

- فرزانه، محسن، خیام شناخت. تهران: ۱۳۵۳.

- فرزانه، محسن، نقد و بررسی رباعی‌های خیام. تهران: کتابخانه فروردین، ۱۳۵۶.

- جعفری، محمدتقی، تحلیل شخصیت خیام. تهران: انتشارات کیهان، ۱۳۶۵.

- دشتی، علی، دمی با خیام. تهران: امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۳۵۶.

- آقایانی چاووشی، جعفر، سیری در افکار علمی و فلسفی حکیم عمر خیام نیشابوری. تهران: انجمن فلاسفه ایران، ۱۳۵۸.

کتابنامه

- برزی، اصغر، ۱۳۷۹، خیام‌نامه. بناب: اعظم بناب.

- حسن‌لی، کاووس - حسام‌پور، سعید، ۱۳۸۹، کارنامه تحلیلی خیام‌پژوهی در ایران. تهران: نشر علم.

- صفا، ذبیح‌الله، ۱۳۶۹، تاریخ ادبیات در ایران. جلد دوم، تهران: فردوسی.

- نظامی عروضی سمرقندی، ۱۳۳۱، چهارمقاله. تصحیح محمد معین. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.